

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

شبهانگ راد

۱۹ مارچ ۲۰۱۹

نظام و درخواست عیدی از مردم!

چند روز قبل خبرنگاری از سر کرده دولت می‌پرسد: "عیدی برای مردم چی دارید؟" روحانی رئیس جمهور "محبوب" و "معتدل" نظام می‌گوید: "عیدی همین است که مردم ما ایشالله تلاش بکنند تا بتوونیم به اهدافمان برسیم".

طول و عرض وقاحت و گستاخی سردمداران نظام را نمی‌توان اندازه گرفت. سر کیسه کردن و بالا رفتن از سر و کول مردم در این چهل ساله کافی نبوده و نیست و انتظار و توقع بیش از این "همیاری" و "همکاری" مردم است تا حاکمیت و اهداف شوم شان را پی گیرند. دست از سر مردم بر نمی‌دارند. چیزی بر سر سفره مردم باقی نگذاشته اند و به دنبال تعرض بیش از پیش بر سفره ها و خانه های خالی مردم اند. حقوق کارگران را نمی‌دهند و در عوض بر ثروت سرمایه داران می‌افزایند و آنوقت روحانی مدافع نظام، از مردم طلب عیدی دارد!

حقیقتاً خانه بیش از نود و نه درصد جامعه، از امکانات اولیه به دور است و به دنباله و در این چهار دهه، هر سال و هر عید مردم را به سال و به عید نداری، فقر و تباهی روز افزون تبدیل نموده اند. سران نظام جامعه را به مسیر بغرنجی سمت و سو داده اند و دهه هاست که برای میلیون‌ها انسان دردمند، برپائی جشن و برگزاری عید، بی‌رنگ و ناممکن شده است؛ به این سبب که ترتیب دادن جشن و پایکوبی، مستلزم توانائی مالی، مستلزم آرامش نسبی و نبود دغدغه های زندگی و فکری ست. در این چهار دهه هزاران خانواده، فرزندان شان را در اثر بی مبالائی و زیاده خواهی های سردمداران نظام از دست داده اند و میلیون ها کودک از سر ناتوانی والدین شان از رفتن به سر کلاس ها باز مانده اند و هزاران فارغ التحصیل در خیابان های ایران سر گردان و مشغول کارهای کاذب اند. به دنباله گرانی بیداد می‌کند و مردم ناتوان از تهیه نیازهای اولیه و روزانه زندگی اند. کارتن خوابی و استفاده از مواد مخدر و فروش اعضای بدن به منظور گذران رزومره زندگی افزایش یافته است، سپس و تحت چنین شرایط بغرنجی، رئیس جمهور نظام، طلب کمک از مردم را دارد! تو گوئی بُو نبرده است که مردم از دست حکومت‌مداران ایران ذله اند و با تمام وجود در انتظار محاکمه و حساب گیری جنایات و اعمال ارتكابی چندین دهه شان می‌باشند.

آری، روحانی نیاز به همراهی مردم دارد تا سیاست‌های جنایت‌بارش را ادامه دهد؛ با "افتخار" در خواست مساعدت از مردم می‌کند تا بتواند با کلید "مرئی" اش، در مشکلات و مصائب جامعه را بگشاید. با دغل‌کاری و با استفاده از نیرو و انرژی مردم، می‌خواهد جناح مقابل را پس زند و طول عمر نظام سرکوب‌گرش را درازتر و بیشتر کند. آیا به ثبت رسیدن هزاران اعتصاب و اعتراض کارگری و توده ئی نسبت به نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌های موجود در درون جامعه

کافی نیست تا رئیس جمهور "معتدل" نظام، پی به نظر و به عمل مردم ببرد؟ آیا به خیابان آمدن پی در پی کارگران برای طلب دست‌مزد‌های معوقه‌شان و همچنین اعتراضات محروم‌ترین اقشار جامعه و آن‌هم به طور مداوم کافی نیست تا روحانی بر اوضاع ناهنجار زندگی آنان واقف گردد؟ آیا به آتش کشیدن پمپ‌های بنزین و اعتراضات مداوم دانشجویان و زنان، نشانه دغدغه روزمره قربانیان نظام امپریالیستی نیست؟

کاملاً آشکار است که اوضاع و فضای سیاسی ایران بسیار شکننده و در حال انفجار است. شعارهای مرگ بر نظام و دیکتاتور، سراسر جامعه را در نور دیده است و محدودیت‌های پوششی و انتخاب نوع زندگی به مشکل اساسی و مهم زنان تبدیل گشته و در این‌میان کسی کمترین توجهی به خواسته‌ها و به نیازهای بدیهی زنان و دیگر توده‌های ستم‌دیده نمی‌کند. سران نظام سرشان، به کار و بار خودشان است و بی‌دلیل هم نیست که کارگران و محرومان جامعه، در هر موقعیت و مناسبتی علیه سرمداران رژیم جمهوری اسلامی به صف می‌شوند و با صدای بلندتر و رساتر، خواهان حقوق پایمال شده‌شان اند. همه فهمیده اند که هیچ کس و قشری، سوی نظام نیست و همین چند روز قبل بود که در جریان سخنرانی روحانی در گیلان، زنان در اعتراض به سیاست‌های دولت "اعتدال" به رقص و پایکوبی پرداختند و در ادامه معلمان و فرهنگیان اصفهان در تجمعی و با سر دادن شعارهایی همچون "چهل بهار گذشت و بهار ما نیامد" و یا "در بهار آزادی سفره‌ها همه خالی"، مخالفت، تنفر و انزجار خود را نسبت به سیاست‌های تخریبی روحانی و دیگر مدافعان نظام اعلام نموده اند.

به عبارت روشن‌تر و در هم‌سوئی با معلمان و فرهنگیان اصفهان باید گفت که نه تنها چهار دهه گذشت و بهار کارگران، زحمت‌کشان و محرومان نیامد؛ بلکه - و به منظور زنده نگه داشتن حافظه تاریخی - می‌باید به این‌موضوع حقیقی اشاره کرد که چگونه نظام، اولین بهار رهائی خلق ستم‌دیده‌گرد از زیر سلطه نظام شاهنشاهی را به خاک و خون کشاند؛ بهار خونینی که به سیاست دائمی نظام منجر شد و هر روز آن، مترادف با تعرض به کارگران، زحمت‌کشان، زنان، جوانان و دیگر خلق‌های ستم‌دیده‌مان تبدیل گشته است.

در حقیقت سران نظام همه را به بند کشیده اند و کارگران را اسیر درخواست حقوق معوقه‌شان نموده اند و هر گونه مخالفت و درخواست بحق آنان را با تهدید، دستگیری و شکنجه و اخراج پاسخ داده - و می‌دهند -؛ صدها انسان بی‌گناه و بی‌دفاع را قتل عام نموده اند؛ هزاران زندانی سیاسی را در مخوف‌گاه‌های‌شان به صلابه کشانده اند؛ هزاران تن دیگر را صرفاً و صرفاً و آن‌هم به جرم‌های دروغین در سپاه چال‌های مخوف جمهوری اسلامی زندانی کرده اند، آنگاه روحانی، وقت و کمک بیشتری از مردم می‌خواهد تا جامعه را در جهت "رفاه" و "آسایش" آنان سازمان دهد.

جدا از اضافه‌گویی‌های روحانی در یک کلام باید گفت که انتخاب چنین سیاست‌های تخریب کننده ای از آن نظام سرمایه داری‌ست؛ نظامی که از نخستین روزهای حکومت‌داری و دولت‌مداری اش، همان سیاست و راهکاری را در پیش گرفته است که مابقی نظام‌های فاسد و رؤسای جمهور ایران انتخاب نمودند. بی‌گمان آمار و بیلان کار روحانی - و علی‌رغم ادعاهای دروغین و مردم دوستی اش -، در چند ساله ریاست جمهوری اش، در خلاف حکایت و داستان دیگر رؤسای جمهور ایران نیست. روشن است که روحانی هم به مانند دیگر رؤسای دولت، هم‌گام و هم‌سو با دیگر نهادها و ارگان‌های نظام، جامعه را در مسیر و منفعت طبقه سرمایه داری وابسته سوق می‌دهد و با تمام وجود، گره تباه نمودن زندگی کارگران، زحمت‌کشان، جوانان و کودکان را سفت‌تر می‌کند. از سر خیر دولت وی، سرمایه‌های مملکت بیش از پیش بر باد رفته است. دزدی و غارت از حد و حساب گذشته است. گم شدن دکل‌های نفتی ۱۲۴ میلیون دالری در سال ۹۴، اختلاس ۸۰۰۰ میلیارد تومانی صندوق ذخیره فرهنگیان و بانک سرمایه در سال ۹۵، اختلاس ۱۰۰ میلیارد تومانی وزارت نفت در سال ۹۶، اختلاس ۷۸۴ میلیارد تومانی رانت ارزی، واردات ۶۴۰۰ دستگاه کالای لوکس با

ارز دولتی و همچنین اختلاس ۷ میلیارد دلاری پتروشیمی در سال ۹۷ و غیره، ثمره دولتمداری روحانی در چند ساله اخیر می‌باشد.

البته ناگفته نماند که انتظار و توقعی خارج از موارد فوق از سوی رئیس جمهور نظام نیست. چرا که کار و بار همه آنان، حفظ و حراست از مناسبات بالائی‌ها و تعرض به معیشت پائینی‌هاست. پیداست که مردم هم پاسخ درست و صحیح خود را به طلب‌ها و به درخواست‌های بی‌جای سردمداران نظام داده‌اند. ایستادگی، مقاومت‌ها و اعتراضات بی‌وقفه در چهار گوشه ایران، نماد افکار و اعمال مردم نسبت به سیاست‌های انتخابی سران نظام همچون روحانی است و در چنین راستائی، روزی نیست که جامعه شاهد تنش بین سودجویان و قربانیان نظام امپریالیستی نباشد. مردم بدرست به این باور دست یافته‌اند که وقت این نظام به سر رسیده است و حاضر به تحمل یک ثانیه ای امثال روحانی، خامنه‌ای و دیگر اعوان و انصارشان نیستند. همه بالائی‌ها - و علی‌رغم اختلافات چند و صوری -، بر نظر باطنی مردم واقف‌اند و می‌دانند که تنفر و انزجار مردم از حکومت‌مداران به بالاترین حد ممکنه رسیده است. همین چند روز قبل بود که خاتمی رئیس جمهور سابق نظام گفته است: "اگر تحولی صورت نگیرد، مردم به سمت براندازان می‌روند".

آری، یکی طلب کمک از مردم دارد و دیگری به منظور مهار خشم و نفرت مردم به دنبال "تحول" در درون نظام است! کدام تحول؟ مگر نظام امپریالیستی پتانسیل تحول به نفع مردم را دارد؟ مگر آمده است تا منفعت پائینی‌ها را به رسمیت بشناسد؟ نظام‌های سرمایه‌داری و از جمله نظام وابسته ایران، حوزه و حیطه کاری و سیاست‌شان در خدمت به پاسخگویی نیازهای جامعه و در جهت رفع و رجوع کردن مشکلات و مصائب مردم نیست. اعمال چهار دهه نظام، پیرامون بدیهی‌ترین مطالبات کارگری و توده‌ئی، در مقابل دنیای انسانی است و به دنبال جلوه آرایش سیاسی، قطب و قطبین جامعه را می‌توان در میدانی تولیدی، در خیابان‌ها، در مراکز رفاهی و آموزشی و خلاصه در تمامی سطوح به عینه دید. خلاف نظر خاتمی، همه سران نظام می‌دانند که تحول مورد نظر مردم، با تحول ادعائی وی از زمین تا آسمان است. مضافاً این که مردم دهه هاست سیاست براندازی حکومت را در مقابل خود قرار داده‌اند و همه آنان - و به ویژه خاتمی - می‌دانند که فاقد کمترین پایگاه‌های اجتماعی‌اند و فقط و فقط به یمن زور و سر نیزه در اریکه قدرت‌اند. بر همین اساس توهمی از جانب توده‌های ستمدیده، نسبت به ماهیت نظام نیست و بخوبی بر این موضوع اشراف دارند که با وجود جرثومه‌های فساد هم چون روحانی و امثالهم، ناتوان از برگزاری عید و بهار دلبخواه‌شان‌اند؛ بهارهای سوخته‌ای که با زبانی گویا و از دل معلمان اصفهان و آن‌هم تحت عنوان "چهل بهار گذشت و بهار ما نیامد"، اعلام شده است. خلاصه این که با وجود چنین نظام‌هایی نمی‌توان طعم و نسیم بهار حقیقی و آزادی را چشید؛ همچنین و با وجود نظام جمهوری اسلامی و رئیس جمهور "محبوب"ش، نمی‌توان طلب برگزاری عید در خور انسانی را داشت؛ به این علت که سردمداران نظام جمهوری اسلامی مولد یأس و ناامیدی، درد و رنج و غم برای میلیون‌ها انسان دردمند‌اند. تنها راه و علاج نابرابری‌ها و تفاوت‌های طبقاتی درون جامعه، در گرو به زیر کشیدن سلطه نظام مسلح و خشن جمهوری اسلامی و آن‌هم با راه اندازی جنگی عادلانه به رهبری پیشروان انقلاب و کمونیست‌هاست. باید آگاه بود که بهار معلمان اصفهان و دیگر توده‌های ستمدیده زمانی فرا خواهد رسید که پرچم ظفرنمون کارگران و زحمت‌کشان در سرتاسر جامعه به اهتزاز در آید. تنها در چنین شرایطی‌ست که سفره‌ها شاهد بهار واقعی و همچنین جامعه شاهد برگزاری جشن و پایکوبی سازندگان اصلی آن خواهد بود.

۱۸مارچ ۲۰۱۹-۲۷ اسفند ۱۳۹۷